

قشم لرزید

اخبار | گروه حوادث / زلزله‌ای به بزرگی ۵.۸ در مقیاس ریشتر روز گذشته بندر لافت از توابع شهرستان قشم در استان هرمزگان را لرزاند. به‌گزارش مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، این زلزله ساعت ۱۶ و ۴۶ ثانیه رخ داد.علیرضا نصری فرماندار قشم در این باره گفت: تاکنون هیچ‌گونه خسارت جانی گزارش نشده و خسارت وارده به ساختمان‌ها نیز در حد ترک‌های دیوار بوده است. سخنگوی سازمان اورژانس کشور نیز در این رابطه گفت در پی وقوع زمین لرزه ۵/۸ ریشتری بندرعباس تیم های ارزیاب به محل اعزام شدند تا بررسی های لازم را انجام دهند.

رشد نگران کننده پرونده های قصور پزشکی

گروه حوادث/ رعایت نکردن اخلاق حرفه‌ای، حجم کاری غیراستاندارد پزشکان و نبود ارتباط درست بین پزشک و بیمار یا همراهان وی از مهم‌ترین دلایل افزایش پرونده‌های قصور پزشکی است. دکتر عباس مسجدی، رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور در مراسم افتتاح ساختمان جدید کمیسیون‌های تخصصی استان تهران با بیان این مطلب گفت: در پرونده‌های قصور پزشکی طی سال‌های اخیر شاهد رشدی ناخوشایند بوده‌ایم که در این بخش، کمیسیون‌های پزشکی قانونی می‌توانند نقش پیگیرانه داشته باشند. به‌گزارش اداره کل روابط عمومی وامور بین‌الملل سازمان پزشکی قانونی کشور، دکتر مسجدی احترام به مردم، ارتقای سطح کیفیت وافزایش سرعت در رسیدگی به پرونده‌ها را سه اصل مهم دانست و گفت: اگر قوه قضائیه ملجا و پناهگاه مردم است انتظار می‌رود سرعت و دقت در رسیدگی‌ها هم بیشتر شود، پزشکی قانونی نیز باید این اصل را مورد توجه قرار دهد و سرعت رسیدگی را بالاتر ببرد. وی تصریح کرد: در حال حاضر از ۳۷۵ مرکز ارائه خدمت در پزشکی قانونی، ۸۰ مرکز امانی و بخش قابل توجهی استیجاری است بنابراین اگر فضای فیزیکی مناسب در اختیار این سازمان قرار نگیرد نمی‌توان انتظار داشت خدمات با کیفیت بهینه به مردم ارائه شود. رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور با اشاره به اینکه چاره یه‌دلیل نبود اعتبار کافی نتوانستیم از مجوز تعلق گرفته به سازمان برای جذب و استخدام ۲۰۰ نفر استفاده کنیم که همین کمبود نیرو مشکلاتی را برای مردم در خدمت‌رسانی بهتر ایجاد می‌کند.

■ بررسی ۵۲ درصد پرونده‌های قصور پزشکی در تهران

در ادامه دکتر مهدی فیروزش مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران با اشاره به حجم بالای کار در استان تهران گفت: بر اساس آمارها ۲۶ درصد پرونده‌های کمیسیون و ۵۲ درصد پرونده‌های قصور پزشکی کل کشور در تهران بررسی می‌شود که این حجم کار نیازمند اختصاص فضای فیزیکی مناسب بود.

دکتر لادن جعفرنژاد رئیس کمیسیون‌های استان تهران با بیان اینکه برخی عوارض در درمان بیماری‌ها طبیعی است خاطرنشان کرد: پزشک با رعایت اخلاق حرفه‌ای و برقراری ارتباط خوب با بیمار می‌تواند ضمن توضیح در خصوص عوارض درمان بیماری، از پیشخ قابل توجهی از شکایات جلوگیری کند. در حال حاضر پرونده‌های علت فوت و روان پزشکی ظرف دو ماه و پرونده‌های قصور پزشکی تا سه ماه و نیم، مختومه می‌شود.

حوادث جهان

حسب اید برای ناپدری سنگدل

مرد جوان آمریکایی به جرم ضرب و جرح و قتل پسر ۵ ساله همسرش دستگیر و به حبس ابد محکوم شد. به گزارش کرایم، متهم «تری هندرسون» بعد از دستگیری مدعی شد با همدستی مادر کودک این قتل را انجام داده است. آنها در ایالت آیووا دستگیر شدند.



بنابر گزارش‌های پلیس، متهمان پس از آنکه پسر بچه بر اثر ضرب و شتم و هوش رفته بود ترسیده و او را به بیمارستان منتقل کردند اما کودک یک روز بعد جان سپرد. پزشکی قانونی تأیید کرد که قربانی ۱۷‌مرد سگستگی در بخش‌های مختلف بدن و آسیب دیدگی شدید به مغز داشته است. گزارش‌های پلیس آیووا روشن کرده است که مادر کودک هم در زمان حمله ناپدری در خانه حضور داشته و به نوعی با متهم همدست بوده‌است که تحقیقات ادامه دارد.

بازداشت ملار بزرگی که نوه اش را زدید



مادر-بزرگ آمریکایی که نوه ۱۲ ساله خود را از بیمارستانی در لوئیزیانا ربوده بود توسط مأموران پلیس شناسایی و بازداشت شد. به گزارش کرایم، متهم «اولین میلر» ۶۶ ساله در حالی که تلاش می‌کرد نوه ۱۲ ساله خود را به هتلی در لوئیزیانا منتقل کند توسط مأموران پلیس بازداشت شد. گزارش‌های پلیس نشان می‌دهد که متهم پس از ورود به بیمارستانی که نوه‌اش در آن بستری بوده تلاش کرده تا نوه دختری خود را از بیمارستان خارج کند که با مقاومت کارکنان بیمارستان روبه‌رو شده‌است. میلر نیز دست به کار شده ابتدا با هل دادن کارکنان و داد و فریاد و سپس با تهدید اسلحه نوه‌اش را ربوده و با زیر گرفتن مأمور امنیتی بیمارستان پا به فرار گذاشته است. اطلاعات پلیس حاکی است که متهم با ۵ اتهام از جمله ضرب و شتم، حمل سلاح گرم و آدم زبانی روبه‌روست. او پس از دستگیری انگیزه خود را در این ارتباط بیان نکرده‌است.

حراج نقاشی های یک مارمولک



نقاشی‌های رنگین یک مارمولک خانگی در حراجی بزرگ ایالت میشیگان به فروش رفت. به گزارش وایر، در آمد فروش از نقاشی‌های مارمولک نقاش برای کمک‌رسانی به صندوق آسیب دیدگان آتش‌سوزی بزرگ استرالیا صرف خواهد شد. «سارا» صاحب مارمولکی به نام «تیگو» است که نقاشی‌های حیوان عجیب خانگی اش را در ایالت میشیگان آمریکا به فروش گذاشته است. به گفته سارا، هر تابلو نقاشی ۷۵ دلار قیمت خورده اما دو مشتری ناشناس هر یک از تابلوها را به قیمت هزار دلار خریداری کرده‌اند. سارا در این باره گفت: «با توجه به گستردگی آتش‌سوزی استرالیا و ویرانی‌های موجود می‌خواستم کاری انجام دهم تا بتوانم به مردم کمک کنم. بنابراین تصمیم به انجام این کار گرفتم و از تیگو خواستم تا با همکاری من تابلوهایی دیدنی اش را روی بوم بکشد. نقاشی‌ها بسیار زیبا هستند و بدون شک خریداران خود را پیدا خواهند کرد.»

متهم به قتل وحید مرادی در دادگاه:

چرامن باید قاتل باشم؟

گروه حوادث / نخستین جلسه

محاکمه ۱۸ نفر از متهمان قتل وحید مرادی در زندان صبح دیروز در شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران به‌صورت غیرعلنی برگزار شد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۱۱ تیر سال ۹۷ با درگیری دو گروه از زندانیان در زندان رجایی شهر کرج و قتل وحید مرادی آغاز شد. ظاهر این قتل زمانی اتفاق افتاد که مقتول و نوحه‌هایش در یکی از

بند‌های زندان با تعدادی از زندانیان درگیر شده و با ضربه‌های جسم نوک تیز به قتل رسید. پس از آن مأموران تحقیقات‌شان را آغاز کردند و ۱۸ نفر در راستای این پرونده دستگیر شدند و در نهایت سعید به‌عنوان متهم ردیف اول شناخته شد.

سعید از افراد شرور و سابقه‌داری است که یک بار به‌خاطر قتل دستگیر شده اما با گرفتن رضایت از اولیای دم توانسته از قصاص بگریزد. اما مدتی بعد به اتهام سرقت

مسلحانه در گیلان دستگیر و دوران محکومیت اش را در زندان سپری می‌کرد. این متهم صبح روز گذشته به شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران منتقل شد تا از خود دفاع کند. در ابتدای این جلسه سعید در جایگاه قرار گرفت و به جزئیات روز حادثه پرداخت و گفت: وحید مرادی در زندان ۵۰ نوحه داشت و یک بند را فرق کرده بود و مدام به همه می‌گفت که من عقاب هستم

ندارم که من او را کشته‌ام. در آن درگیری افراد زیادی بودند که هرکدام با خودشان تیزی داشتند و ممکن است او را فرد دیگری کشته باشد. چرا از میان این همه آدم که در درگیری بودند من باید متهم ردیف اول باشم. در همین هنگام همسر وحید مرادی که شدت از صحبت‌های متهم ناراحت و عصبانی شده بود به سعید حمله کرد تا او را کتک بزند که با دخالت مأموران غائله خاتمه یافت اما او در ادامه باصدای بلند رو به قاضی گفت:

قاتل اصلی همین سعید است و تاوان قتل شوهرم را پس می‌دهد. در این پرونده از خیلی‌ها شکایت کرده‌ام به هیچ عنوان کوتاه نمی‌آیم. چرا باید در زندان این همه تیزی وجود داشته باشد؟ چرا در زمان درگیری گارد ویژه زندان غائله را ختم نکرد؟ نخستین جلسه دادگاه پس از اظهارات همسر مقتول به پایان رسید و قضات شعبه ۴ بزودی تاریخ جلسه دوم رسیدگی به این پرونده را اعلام خواهند کرد.

دردسرهای دلارهای سیاه قلبی

دهدی و بیکاری. یک روز که خیلی ناراحت بودم و به قهوه خانه رفته بودم با استاد آشنا شدم. البته اسمش شروین است اما من اسمش را گذاشته‌ام استاد، چون خیلی حرفه‌ای کلاهداری می‌کند. او ادامه داد: شروین گفت کاری را بلد است که نه تنها می‌توانم بدهی‌هایم را بپردازم بلکه می‌توانم کلی هم درآمد کسب کنم. شروین یک دستگاه چاپ دلار در زیرزمین خانه‌اش داشت و دلارها را پس از چاپ برای اینکه تقلبی بودنش مشخص نشود داخل جوهر سیاه می‌گذاشت. شروین می‌گفت دلارهای سیاه مبلغ بالاتری دارند و این‌طوری جعلی بودن دلارها معلوم نمی‌شود و اعتبارش نیز بالا می‌رود. من در نقش راننده، بهزاد به‌عنوان مترجم و امیر هم به‌عنوان تاجر نقشه سرقت را اجرا می‌کردیم. من در خیابان‌های تهران با خودروام پرسه می‌زدم و با دیدن سوزهای مناسب، به‌عنوان مسافر

نیز زن جوانی از سوی مترجم تاجر ترکیه‌ای طلاهای معرف را در ازای دلار سیاه جعلی از دست داده بود. باتوجه به تشابه شیوه و شگرد سرقت‌ها، فرضیه سریالی بودن آنها مطرح شد. در بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محلی که مالباخته‌ها سوار خودرو شده بودند، مأموران موفق شدند به شماره پلاک خودروی پژو برسند. در استعلام شماره پلاک خودرو، مأموران هویت راننده را که مرد ۳۰ ساله‌ای بود به‌دست آورده و او را بازداشت کردند. مرد جوان که ابتدا منکر سرقت بود زمانی که با مدارک پلیسی همراهی شد به جرم خود اعتراف کرد.

■ سهم ۲۰ درصدی

مرد جوان در تحقیقات گفت: تا به حال در دو سرقت با اعضای این گروه همدست بودم و از سرقت‌های دیگر آنها‌خبر ندارم. من به اتهام سرقت به زندان اقدام و وقتی از زندان آزاد شدم، من ماندم و کلی

آقا از طلاهای شما خوشش آمده و می‌خواهد آنها را برای همسرش بخرد. اما چون زمان کافی برای خرید ندارد و باید به فروگاه برود پیشنهاد داده که حاضر است طلاها را که حدود ۵۰ میلیون تومان بود به دو برابر قیمت و آن هم با دلار سیاه خریداری کند. بهزاد می‌گفت که دلار سیاه، قیمتش از دلار معمولی بالاتر است و ارزش جهانی دارد. خلاصه طلاهایم را در ازای ۵ هزار دلار سیاه به آنها دادم و از خودرو پیاده شدم. فردای آن روز که برای فروش دلارها به صراف‌ی رفتم متوجه شدم که تمامی آنها تقلبی است و من آنها خیلی آراسته و شیک بود، یکی از آنها فارسی صحبت نمی‌کرد و نفر دوم مترجم او بود.

چند لحظه‌ای که از سوار شدن آنها گذشت، بهزاد، مترجم جوان به من گفت که دستبند و انگشتر و انگویی که به‌دست دارم را خریدار است. او مرد جوانی را که همراهش بود تاجر ترکیه‌ای معرفی کرد و گفت: این

گروه حوادث/ مرد کلاهدار که خود را تاجر ترکیه‌ای معرفی می‌کرد و با ترفندی عجیب طلاهای زنان را به سرقت می‌برد از سوی پلیس دستگیر شد.

به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، چندی قبل زن جوانی به پلیس رفت و از سرقت طلاهایش به شیوه‌ای عجیب خبر داد. او گفت: از غرب تهران به مقصد خیابان آزادی سوار خودروی پژو مسافر پر شدم. راننده پسر جوانی بود و هیچ مسافر‌ی نداشت. پس از طی مسافتی دو مسافر که در کنار خیابان به انتظار خودرو بودند نیز سوار شدند. ظاهر آنها خیلی آراسته و شیک بود، یکی از آنها فارسی صحبت نمی‌کرد و نفر دوم مترجم او بود.

چند لحظه‌ای که از سوار شدن آنها گذشت، بهزاد، مترجم جوان به من گفت که دستبند و انگشتر و انگویی که به‌دست دارم را خریدار است. او مرد جوانی را که همراهش بود تاجر ترکیه‌ای معرفی کرد و گفت: این

در جلسه دادگاه:

گروه حوادث/ زنی که با همدستی

دو مرد نقشه قتل شوهرش را طراحی و اجرایی کرده بود، صبح روز گذشته در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران» ۱۶ شهریورماه سال ۹۶ زن جوانی به‌نام سمانه به کلانتری واوان مراجعه و عنوان کرد: همسرم نادر پس از خروج از خانه برنگشته و هیچ اطلاعی هم از وضعیت او ندارم.

پس از اظهارات این زن رسیدگی به این پرونده آغاز شد و مأموران در نخستین گام آخرین تماس‌های تلفنی نادر را مورد بررسی قرار دادند که مشخص شد او در شامگاه سیزدهم با مرد ناشناسی به‌نام مسعود در محدوده محمدشهر کرج قرار ملاقات گذاشته بود. با این سرخ، مسعود ردیابی و بازداشت شد و در بازجویی عنوان کرد: مدتی است که با سمانه همسر مقتول ارتباط دوستی برقرار کرده و به هم علاقه‌مند شده بودیم. سمانه در صحبت‌هایش بارها گفته بود که نادر او را آزار می‌دهد. پس مدتی که از ارتباط‌مان گذشت روزی نادر متوجه ارتباط ما شد و از من خواست تا با هم ملاقات کنیم من هم با نقشه سمانه نادر را به باغی که متعلق به یکی از دوستان سمانه بود کشاندم و با همدستی پسرعمه‌ام فرید او را با چاقو

کشتیم و جسدش را داخل چاهی در باغ انداختیم.

با اعتراف مسعود تیمی از مأموران آگاهی به باغ مورد نظر رفتند و جسد نادر را از داخل چاه ۱۰ متری کشف کردند و جسد به دستور بازپرس کشیک قتل به پزشکی قانونی منتقل شد و در ادامه هم فرید و سمانه دستگیر شدند.

فرید پس از دستگیری مدعی شد: من قصد دخالت در موضوع قتل را نداشتم اما پسردایی‌ام مسعود چند روز قبل به من گفته بود که موضوعی ناموسی برابم پیش آمده و من هم برای کمک به او وارد این قضیه شدم. شب حادثه من تنها با نوک چاقو ضربه‌ای به شکم مقتول زدم اما مسعود با چاقو ضربه‌ای به گردن نادر زد و پس از آنکه او فوت کرد او را با هم به داخل چاه انداختیم.

سمانه هم پس از افشا شدن راز جنایت گفت: من هیچ اطلاعی از کشتن همسرم نداشتم و نمی‌دانستم که آنها قصد دارند او را به قتل برسانند فقط فکر می‌کردم قرار است با هم کتک کاری کنند. ارتباط من و مسعود هم در حد دوستی تلفنی بوده و هیچ ارتباط بیشتری باهم نداشتم. به دنبال اظهارات ۳ متهم پرونده با نقشه سمانه نادر را به باغی که متعلق به یکی از دوستان سمانه بود کشاندم و با همدستی پسرعمه‌ام فرید او را با چاقو

کشف جسد کوهنورد البرزی

درد ارتفاعات واریان

گروه حوادث/ جسد جوان کوهنورد که به‌علت سقوط بهمن در منطقه واریان در محدوده جاده کرج – چالوس مدفون شده بود، کشف شد.سید فتح‌الله هاشمی نژاد رئیس جمعیت هلال احمر کرج گفت: طی ۲ روز عملیات جست‌وجو توسط امدادگران هلال احمر و ۶ کوهنورد همراه این متوفی جسد این جوان کشف شد.روز گذشته در اثر سقوط بهمن در منطقه کوهستانی واریان در جاده کرج – چالوس یک کوهنورد مدفون شد که امدادگران جمعیت هلال احمر به محل اعزام شدند و طی بررسی‌های اولیه مشخص شد که یک نیم هفت نفره کوهنوردی در کوه‌های واریان در حال کوهپیمایی بودند که یکی از این افراد زیر بهمن و برف مدفون شد.بلافاصله عملیات جست‌وجو با کمک کوهنوردان از ظهر شنبه آغاز شد اما به‌دلیل تاریکی شب ادامه جست‌وجو به صبح روز یکشنبه موکل شد که با همکاری هلال احمر و همراهان وی و مدیریت بحران فرمانداری کرج جسد صبح روز گذشته کشف و با بالگرد اورژانس منتقل شد.

یک کشته در تصادف کامیون لبنیات



وسرنشین که در داخل اتاقک ویران شده گرفتار شده بودند بلافاصله از سوی آتش‌نشانان خارج شدند.وی خاطرنشان کرد: راننده دچار مصدومیت شدید شده بود که بلافاصله توسط تکنیسین‌های اورژانس روانه بیمارستان شد اما پس‌را ۱۹ساله‌اش به‌دلیل شدت جراحات وارده متوقف شده بود برخورد کرده است. بر اثر این برخورد اتاقک کامیون متلاشی شده بود و راننده

سوار می‌کردم. بهزاد و امیر هم کمی جلوتر سوار می‌شدند البته مسافرانی هم بودند که قبول نمی‌کردند و طلاهایشان را در اختیارمان قرار

نمی‌دادند. با اظهارات مرد جوان، بازپرس سهرابی دستور بازداشت شروین و دو همدست دیگر او را صادر کرد.

درخواست قصاص برای برادر

گروه حوادث/ کیفرخواست مرد میانسال به اتهام قتل پدرش درحالی صادر شد که دو خواهرش خواهان قصاص او شدند.

به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۸ شب، آخرین روز شهریور فوت مرد ۸۰ ساله‌ای در بیمارستان شهدای تجرش به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. به‌دنبال اعلام این خبر، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی پایتخت آغاز و در بررسی‌های صورت گرفته، این احتمال مطرح شد که علت فوت مرد کهنسال به‌نام خسرو، درگیری و برخورد جسم سخت با سرش بوده و به‌قتل رسیده است.

در تحقیق از خانواده خسرو، همسر مقتول گفت: پسرم شاهین مقیم کانادا است. روز حادثه شاهین با پدرش بر سرارت و میراث دعوایش شد. جر و بحث بین آن دو بالا گرفت که ناگهان شاهین به‌سمت همسرم حمله ور شده و او را مورد ضرب و شتم قرار داد و از آنجایی که من نمی‌توانستم کاری کنم، بلافاصله رفتم و سرابدار را برای کمک صدا زدم اما وقتی برگشتم همسرم بی‌هوش روی زمین افتاده و از شاهین هم خبری نبود. بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم. او را به بیمارستان منتقل کردیم اما دو روز بعد همسرم فوت کرد.

با به دست آمدن این اطلاعات و شناسایی عامل جنایت، دستور دستگیری شاهین از سوی بازپرس پرونده صادر شد. کارآگاهان با انجام اقدامات پلیسی موفق به دستگیری متهم در منطقه جنت آباد شدند.

وی در بازجویی‌های انجام شده به مأموران گفت: من و پدرم چند سالی است بر سر مسائل مالی اختلاف شدید داریم حتی او یک آپارتمانی که در محدوده خیابان فرشته داشتیم و سه دانگ آن سهم من بود را فروخت و پولی هم به من نداد. روز حادثه با پدرم در مورد این موضوع صحبت می‌کردیم که ناگهان شروع به فحاشی کرد و چون شن اش بالا بود من هیچ عکس العملی نشان ندادم. تا اینکه او با عصایی که در دست داشت بر سر من زد، خیلی عصبانی شدم و دیگر نفهمیدم چه کار می‌کنم. شروع به کتک زدن وی کردم و در یک آن دیدم روی زمین افتاد. صورتش خونی شده بود از ترس قرار کردم و چند روزی در منزل یکی از دوستانم مخفی شدم که در نهایت دستگیر شدم. با اعتراف شاهین به جنایت به دستور بازپرس شعبه چهارم دادرای امور جنایی تهران او به بازسازی صحنه قتل پرداخت. در ادامه تحقیقات دو دختر مقتول به‌عنوان اولیای دم به دادرای جنایی رفته و خواهان قصاص برادرشان شدند. بدین ترتیب بازپرس محمد تقی شعبانی به اتهام قتل عمد، کیفرخواست پرونده را صادر کرد.